

بررسی و جایگاه روش عفو و غفران از منظر قرآن کریم و کارکردهای تربیتی آن

نیک محمد خلیلی

nkmkhaliili@gmail.com

چکیده

عفو و غفران از مفاهیم مهم و برتر اخلاقی است که در سعادت و تعالی فردی و اجتماعی انسان ها نقش موثری ایفا می کند و از دیرباز در صدر فضایل اخلاقی جای داشته و دارای آثار و فوایدی است که از لحاظ رشد روانشناختی و تربیتی فرد و جامعه اهمیت فراوانی دارد. این تحقیق، با استفاده از تفسیر و تحلیل آیات قرآن کریم به بررسی موضوع پرداخته است.

نتایج مقاله حاضر با پرداختن به معناشناسی واژه عفو و غفران در قرآن کریم، انواع عفو و غفران الهی را بررسی نموده، به مهمترین ویژگی های عفو و غفران اشاره کرده و شرایط و اسباب عفو و غفران در قرآن مورد کاوش قرار گرفته است و در نتیجه به مهمترین کار کرد های این روش قرآنی در مورد متربی و مربی پرداخته شده که؛ فراهم آوردن زمینه اصلاح متربی، امید و انگیزه به متربی، اصلاح و علاج متربی، کرامت و آمرزش مربی از مهمترین کارکرد آن است .

روش پژوهش؛ توصیفی تحلیلی و مطالعات آن کتابخانه ای است، و با استفاده از فیش برداری انجام شده است .

واژگان کلیدی: عفو ، غفران، قرآن کریم، کارکرد، مربی، متربی.

مقدمه

انسان تنها موجود مختاری است که مسیر رشد و تکامل را خود با اراده و عمل خویش طی میکند و این مسیر دارای انواع اغواگران و راهزنانی است که آدمی را از راه رشد و تعالی به در می کند «قال رب بما اغویتنی لایزین لهم فی الارض ولاغو منهم اجمعین؛ گفت: پروردگارا چون مرا گمراه کردی، من «نعمت‌ها مادی را» در زمین در نظر آنها زینت میدهم، و همه را گمراه خواهم ساخت» (حجر / ۳۹).

از لوازم اختیار انسان ممکن الخطا بودن اوست و از لوازم ممکن الخطا بودن وجود راهی برای بازگشت است. در غیر این صورت کسی راه نجات را نخواهد یافت. آیا تربیت بدون بهره‌گیری از روش عفو کردن و گذشتن از نقص‌ها و کم کاری‌های متربی ممکن است، یا دست کم به نحو مطلوبی میسر است؟ شاید موردی را نیابیم که کسی بدون بهره‌گیری از این اصل موفق به تربیت به نحو مطلوب شده باشد. این واقعیت بیانگر اهمیت و لزوم عفو کردن خطاها به عنوان یک اصل اساسی در تربیت است. امکان بازگشت و جبران خطا رابطه‌ای وثیق و تنگاتنگ با تربیت دارد؛ چرا که مسیر رشد و تعالی همواره با آزمون و خطا به پیش می‌رود. بنابراین، عفو و گذشت، از ملاک‌های محوری قرآن کریم است که خداوند عفو کننده و آمرزنده است (نساء / ۹۹)، «و لولا فضل الله علیکم و رحمه ما زکا منکم من احد ابداء...» (نور / ۲۱)

مفهوم شناسی

واژه «عفو» و مشتقات آن مانند «عفا» (بقره، ۱۸۷)، «عفو» (نساء، ۴۳)، «العافین» (آل عمران، ۱۳۴)، «عفونا» (نساء، ۱۵۳) و... سی و شش بار در قرآن به کار رفته اند. این واژه در لغت دارای دو اصل و ریشه معنایی است که یکی به معنای ترک و دیگری به معنای طلب (ابن فارس، ۱۳۸۷) است. پس عفو، به معنای رها کردن و عذاب نکردن کسی است که مستحق عقاب و عذاب است (فراهیدی، العین - صفی پور، منتهی الازب - شرتونی، اقرب الموارد).

اما عفو در قرآن نیز به معانی مختلفی دانسته شده است، طریحی «عفونا عنکم» به معنای «محونا عنکم ذنوبکم» نا دیده گرفتن گناهان معنا کرده است. راغب اصفهانی عفو را به معنای ترک مجازات و عقوبت می داند.

مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۱۹ بقره «و یستلونک ماذا ینفقون قل العفو...» ضمن نقل قول راغب اصفهانی می فرماید: «سپس عنایات کلامی باعث شده که این لفظ به معانی عدیده ای چون بخشودن گناه، از بین بردن اثر چیزی و میانه روی در انفاق بیاید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ج ۱: ۱۹۴: ۲).

بنا بر این، چه عفو را به معنای ترک بگیریم و چه به معنای طلب، نتیجه یکی است؛ زیرا طلب هم برای نادیده گرفتن گناه است و نتیجه آن رها کردن فرد بدون گناه است. پس عفو به معنای نا دیده گرفتن گناه است.

غفران : این واژه از غفر یغفر بوده با صیغه های مختلف ۱۳۷ بار در قرآن به کار رفته است. غفر در لغت به معنای ستر و پوشش آمده است (ابن فارس، ۱۳۸۷) غفران نیز به معنای پوشاندن جامه ای به تن فرد است که وی را از آلودگی حفظ کند، مراد از غفران خداوند این است که فرد را از تماس با آتش حفظ کند؛ نظیر «غفرانک ربنا» (بقره، ۲۸۵) (راغب، ۱۳۸۵). مرحوم طبرسی ذیل آیه ۵۸ سوره بقره می فرماید: «غفر، به معنای پوشاندن است». گویند: «غفر الله له غفرانا»؛ یعنی خدا گناهان او را پوشاند، وحد مغفرت پوشاندن گناه از طریق رفع عقوبت است (طبرسی، ۱۳۷۲ ج ۱، ۲۴۵).

انواع عفو و غفران

عفو و غفران الهی نسبت به انسان ها و گناهان آنان انواعی دارد؛ گاه خداوند پیش از آنکه انسان از او در خواست عفو کند او را می بخشد، ولی گاه وقتی انسان به گناه خود واقف شد و از خدادار خواست بخشش و از گناه خود توبه کرد، خداوند او را می بخشد. همچنین گاه غفران الهی پیش از تکلیف شامل انسان شده و سبب تسهیل در تکلیف می شود و گاه پس از تکلیف و ارتکاب خطا و گناه از سوی انسان شامل حال او می شود و گاه نیز خداوند با تفضل بیکران خود زمینه ارتکاب گناه را از بین می برد. قرآن کریم همه این موارد را مشمول روش عفو و غفران می داند. بنا بر این، انواع عفو و غفران عبارتند از: عفو و غفران ابتدایی؛ عفو و غفران تکلیفی؛ عفو و غفران پیش گیرانه؛ عفو و غفران تاخیری و عفو و غفران پاداشی.

۱. عفو و غفران ابتدایی

در این نوع عفو و غفران، فرد ابتدایی آنکه هیچ اقدامی انجام دهد، یا از خود شایستگی خاصی آشکار سازد در معرض رحمت الهی قرار می گیرد. برای مثال، در مواردی انسان ها پیش از آنکه کار نیکی انجام دهند دست به گناه می زنند و حتی توبه هم نمی کنند، در عین حال مورد رحمت و اسعه الهی قرار می گیرند؛ «و يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه وقد خلت من قبلهم المثالات وان ربك لذو مغفرت للناس على ظلمهم...؛ آنانی پیش از رحمت، از تو تقاضای تعجیل در عذاب دارند، با اینکه پیش از آنان بلاهای عبرت انگیز نازل شده و پروردگارت به مردم در باره ستم کردن شان صاحب مغفرت است، وهم پروردگارت عذاب شدید دارد». (رعد، ۶). رحمت و اسعه خداوند در همه احوال، حتی در حال ظلم شامل انسان می شود و شامل

مشرک و کافرونیز دنیوی و اخروی و نیز قبل از مرگ و پس از مرگ می شود. از این رو، قرآن کریم تعبیر «لنناس» به کار برده است و للمؤمنین یا للتائبین کار نبرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۳۱: ۱۱ و ۳۲).

۲. عفو تکلیفی

یکی از راه های بروز تجلی عفو و غفران تفضلی در قرآن، عفو در وضع تکلیف است. عفو و گذشت صرفا در مقام مجازات مطرح نمی شود، بلکه افزون بر آن در مقام تعیین تکلیف و تشریح نیز سهل گرفتن نوعی عفو قلمداد می شود. روش خداوند تعالی در تشریح قوانین و تکالیف بیانگر نوعی سهل گرفتن با مکلفان است، به نحوی که آنها به راحتی قادر به انجام تکالیف هستند. قرآن کریم هنگامی که به این نحوه مواجهه خداوند با مکلفین اشاره می کند، به صفت غفاریت و بخشندگی خداوند نیز تصریح می کند: «انما حرم علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر وما..... ان الله غفور رحیم» (بقره، ۱۷۳). و نیز (توبه، ۹۱ و مائده، ۱۰۱). در تفسیر تبیان ذیل آیه ۹۱ توبه دارد که خداوند غفور است؛ یعنی با قبول عذر کسانی که عذری دارند بر آنها می پوشاند و رحیم است؛ یعنی آنها را فراتر از طاقت و توانایشان الزام نمی کند (طوسی بی تا، ج ۵، ۲۷۹).

۳. عفو پیشگیرانه

در قرآن کریم با آیاتی مواجه می شویم که به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: از خدا طلب مغفرت کن، «واستغفر الله ان الله کان غفورا رحیما؛ واز خدا طلب مغفرت کن که مغفرت و رحمت کار خداوند است» (نساء، ۱۰۶). و حال آنکه پیامبر (ص) معصوم است و گناه و خطا نمی کند. بنا بر این، سؤال این است که این استغفار و طلب بخشش به چه معنایی است؟ در تبیین معنای واقعی آیه یاد شده، به نوعی از عفو پیشگیرانه می رسیم. در این نوع بخشش آنچه اتفاق می افتد عفو و بخشش نسبت به گذشته و سابقه فرد نیست، بلکه عفو و گذشت نسبت به آینده است؛ یعنی جلوگیری از ورود به گناه و باز داری از وقوع آن در آینده. مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه یاد شده می فرماید: معنای استغفار در این جا آن است که رسول خدا (ص) از خداوند می خواهد آنچه در طبع و سرشت آدمی است و ممکن است او را به سوی گناه و هوای نفس متمایل سازد، بیامرزد و بپوشاند. قرآن نسبت به آن حضرت می فرماید: «ولولا فضل الله علیک ورحمته لهتم طائفه منهم ان یضلوک و یضلون الا انفسهم و ما یضرونک من شیء» (نساء، ۱۱۳). این آیه تصریح بر این دارد که

خائنان نمی توانند ضرری به رسول خدا(ص) برسانند و هر قدر تلاش کنند قادر به گمراهی او نیستند. پس رسول خدا(ص) از این جهت در امنیت است و خدای متعال آن حضرت را از چنین امری حفظ فرموده است.

۴. عفو تاخیری

هر عمل نیکی مستلزم پاداشی مناسب خود است. اما این قاعده در باب اعمال بد و قبیح صادق نیست و بسا بدون جزا و تنبیه مورد بخشش قرار گیرد یا دست کم در مجازات تعجیل نشود. از این رو، قرآن کریم در ارتباط با اعمال بد و نا شایسته که مقتضی عذاب و تنبیه هستند دو واکنش را مطرح می کند؛ نخست عفو و گذشت فوری؛ دوم تاخیر در مجازات، یا مهلت دادن. این دو نوع مواجهه تحت عنوان کلی عفو و غفران تفضلی قرار می گیرند. واکنش نوع اول در عفو ابتدایی بیان شد. اما نوع دوم؛ یعنی عفو تاخیری نیز یکی دیگر از مظاهر مواجهه تفضلی خداوند با انسان گنهکار است؛ زیرا چنانکه خداوند فرموده: « ولو یواخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابه و لکن یوخرهم الی اجل مسمی؛ اگر خدا مردم را به خاطر ظلمشان مجازات می کرد جنبنده ای را روی زمین باقی نم گذارد، ولی آن ها را تا زمان معینی به تاخیر می اندازد» (نحل، ۶۱). آیاتی از قرآن به تاخیر مجازات و فرصت دادن به گنهکاران تصریح دارند (کهف، ۸۵)

۵. عفو پاداشی

منظور از عفو و غفران پاداشی این است که خداوند در برابر توبه ای که گنهکار از گناه خود می کند، از گناه او در می گذرد و او را مورد عفو و بخشش قرار می دهد. توبه و انابه، کاری است که از سوی متربی صورت می گیرد و خداوند در برابر آن، توبه او را می پذیرد و از گناه او می گذرد و او را می بخشد؛ « افلا یتوبون الی الله ویستغفرونه و الله غفور رحیم؛ آیا به سوی خدا بازگشت و استغفار نمی کنند؟ و حال آنکه خداوند غفور و رحیم است » (مائده، ۷۴). در واقع یکی از شرایط عفو و غفران، طلب آن از طریق توبه و انابه است. از این رو، نمی توان روش توبه را به عنوان روش تربیتی مطرح کرد که مربی آن را به کار گیرد؛ بلکه آنچه مربی به کار می گیرد عفو و گذشت است. با توجه به اینکه هر نوع تربیتی اگر با تعامل و همکاری و هماهنگی مربی و متربی صورت پذیرد، با موفقیت همراه خواهد بود، به کار گیری روش عفو و غفران با بازگشت و عذر خواهی متربی موفقیت بیشتر و بهتری را در پی خواهد داشت.

همچنین گاه خداوند در اثر کار نیک که انسان انجام می دهد گناهان او را می بخشد؛ « ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم و...؛ اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی شده اید اجتناب کنید، ما از بدی های شما صرف نظر می کنیم... » (نساء، ۳۱). همه انواع عفو و غفران در باره مربی و متربی نیز صادق هستند و مربی می تواند این انواع عفو و بخشش را درباره متربی اعمال کند.

ویژگی های عفو و غفران

عفو و غفران، به عنوان یک روش تربیتی در عرض دیگر روشها قرار می گیرد. ویژگی ها و امتیازات این روش نسبت به دیگر روش ها آن را روش ویژه ساخته است. گرچه وجود برخی ویژگی های این روش منحصر به آن نیست، اما تحقق مجموع ویژگی ها در این روش، نوعی انحصار و امتیاز برای آن ایجاد کرده است.

۱) فعال بودن متربی

یکی از ویژگی های مهم روش عفو و غفران فعالیت متربی و در نتیجه نیاز نداشتن به فعالیت زیاد مربی است. برخی روش ها مانند روش تنبیه و تشویق و موعظه و... روش هایی هستند که نقش مربی در آنها بسیار پررنگ است؛ به این معنی که بدون دست بکار شدن مربی امکان اجرای آن روش ها وجود ندارد. اما برخی روش ها وضعیت دیگری دارند. در این نوع روش ها فعالیت اصلی بر عهده متربی است. مربی صرفا فرصت را در اختیار متربی قرار میدهد و این خود متربی است که با تمسک به آن فرصت از امکانات بهره میگیرد. در واقع، در این روش متربی منفعل نیست، بلکه کاملا فعال و نقش آفرین است. از این رو، میتوان یکی از امتیازهای روش عفو و غفران را دخالت کمتر مربی و فعالیت بیشتر متربی دانست.

البته باید توجه داشت که عفو و گذشت انواعی دارد. از جمله عفو تفضلی، استحقاقی و ایتدایی و پیشگیرانه و... . انسان ها همواره و حتی بدون اینکه مطلع باشند و به رغم نداشتن شایستگی نیز مشمول عفو و غفرانی است که انسان خود به عنوان متربی در آن نقش داشته باشد. بنابراین، اثر تربیتی آن بیشتر در عفو و غفران استحقاقی نمایان می شود. این نوع از عفو و غفران چه از راه توبه محقق شود یا غیر آن، مستلزم نوعی حرکت و فعالیت از سوی متربی است. بدیهی است کسی که اقدام به توبه میکند و شرایط آن را فراهم می سازد،

میتواند انتظار رفع سوء سابقه از خود داشته باشد. چنانکه خداوند به تصریح میفرماید: «ثم ان ربك الذین عملوا السوء بجهاله ثم تابوا من بعد ذلك و اصلحوا ان ربك من بعدها لغفور الرحیم» (نحل/۱۱۹).

۲) تعلق به حیطة عاطفی

هر یک از روش‌ها معطوف به ساحتی از ساحت‌های وجودی انسان است. برای مثال روش حکمت آموزی و یا اعطای بینش که یکی از روش‌های تربیت است به بعد ذهنی و شناختی تعلق دارد. با بکارگیری بعد شناختی انسان سبب هدایت و رشد و تربیت وی می‌شود. یا روش تشویق و تنبیه بیشتر دارای کارکردی عاطفی هستند و از این رهگذر انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند و موجبات جذب و دفع را در انسان فراهم می‌آورند. روش عفو و غفران نیز از این جهت روشی عاطفی است و با دخالت در حوزه انگیزه و روحیه امیدواری سبب اصلاح و رشد متربی می‌شود. از این جهت در زمره روش‌های عاطفی قرار می‌گیرد. در بحث تربیت، گرچه هر یک از ابعاد انسانی نقش و تاثیر دارند، اما بهره‌گیری از بعد عاطفی تاثیر بیشتری در تربیت انسان دارد. از این رو، خداوند در قرآن کریم این ویژگی پیامبر(ص) و نقش آن در تربیت دیگران را می‌ستاید «فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر» (آل عمران/۱۵۹).

۳) اصلاحی و ایجاد

روشهای تربیت را بطور کلی می‌توان به دو نوع روشهای اصلاحی و روشهای ایجاد تقسیم کرد. روشهای ایجاد روش‌های هستند که رفتاری تازه را در انسان ایجاد می‌کنند و موجب رشد اومی شوند؛ مانند روش تشویق. روش‌های اصلاحی روش‌هایی هستند که رفتارهای ناپسند را از بین می‌برند، یا آنها را به رفتارهای نیکو و پسندیده تغییر می‌دهند. روش عفو و گذشت از این جهت ظرفیتی دوگانه دارد. برخی از انواع آن تنها سابقه سوء را از میان می‌برند؛ مانند عفو و گذشت ابتدایی یا تفضلی. اما برخی دیگر، افزون بر از میان بردن سابقه سوء، به جای آن سابقه مثبت را نیز ایجاد می‌کنند. برای مثال، هنگامی که عفو و گذشت بر اساس توبه باشد، یابه دنبال آن عمل صالح نیز بیاید نه تنها سابقه سوء را پاک می‌کند، بلکه آن سابقه سوء نیز تبدیل به سابقه نیک می‌شود؛ «الامن تاب و آمن و عمل عملا صالحا فالتک یبدل الله سیئاتهم حسنات...» (فرقان، ۷۰).

کارکردهای تربیتی عفو و غفران برای متربی

۱- فراهم آوردن زمینه اصلاح متربی

یکی از کارکردهای مهم عفو و غفران ایجاد زمینه مثبت برای اصلاح متربی است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «فمن عفا و اصلح فاجره علی الله و انه لا یحب الظالمین؛ پس هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداوند است، خداوند ظالمان را دوست ندارد» (شوری / ۴۰). گرچه ظاهر آیه این است که اصلاح عملی غیر از عفو است و دو کار را مطرح می‌کند، ولی همین که اصلاح به دنبال عفو مطرح شده است اشعاری نیز به این دارد که اصلاح مترتب بر عفو است و با عفو اصلاح صورت می‌گیرد، چنانچه برخی از مفسران در مورد تقوا و عمل مطرح کرده‌اند که عطف تعلیم بر تقوا گرچه با «فا» نیست، اما بیانگر آن است که تقوا سبب تعلیم الهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۳۵).

همچنین در مورد اینکه مراد از این اصلاح، اصلاح میان عفو کننده و خداست یا اصلاح میان عفو کننده و عفو شونده یا اصلاح عفو شونده است، نیز اختلاف است ولی برخی مفسران نظیر میبیدی (۱۳۷۱، ج ۹: ۴۰) مراد از آن را اصلاح بین عفو کننده و عفو شونده می‌دانند و برخی نیز مانند گنابادی، مراد از آن را اصلاح عفو شونده می‌داند (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۰). پیامبر اکرم (ص) نیز در پاسخ به شکایت فردی از بی‌ادبی خادمان خود فرمود: «آنها را ببخش و بدین طریق قلب‌های آنها را اصلاح کن؛ وشکا رجل الی رسول الله (ص) خدمه فقال له اعف عنهم تستصلح به قلوبهم فقال یا رسول الله انهم یتفاوتون فی سوء الادب فقال: اعف عنهم ففعل» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹: ۷).

گفتنی است آثاری که گفته شد برای عفو آثاری نیستند که به صورت طبیعی بر عفو مترتب باشند، بلکه آثاری هستند که خداوند بر عمل عفو خود بار می‌کند و برای مثال، او فرد را عذاب نمی‌کند، بنابراین، مربی نیز باید توجه داشته باشد که اگر متربی خود را بخشید، به این معناست که باید ملتزم شود که آثار تخلف را بر او بار نکند، نه اینکه صرف بخشش، به طور طبیعی آثار بر آن خواهد شد.

۲- امید و انگیزه

یکی از آثار مهم عفو و غفران ایجاد امید و انگیزه در انسان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسکم لا تقنطوا من رحمہ الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم» (زمر/ ۵۳). وقتی خدا خود به اینکه تمام گناهان را می‌آمرزد تصریح داشته باشد و آن را به صراحت برای بندگان خود بیان کند و حتی یأس و نومیدی از رحمت خود را گناهی بزرگ تلقی کند؛ «و لا تیأسوا من روح الله انه لا ییأس من روح الله الا القوم الکافرون؛ از رحمت خدا مایوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مایوس می‌شوند» (یوسف/ ۸۷).

انسان به عفو و رحمت خداوند امیدوار میشود و به اصلاح وضع خود امیدوار و برانگیخته میشود (برای مطالعه بیشتر طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۴۸ و ۱۴۹).

۳- اصلاح و علاج

یکی از ابعاد تربیت، تربیت اصلاحی است؛ یعنی صفات و رفتارهای ناپسند را از بین بردن. تربیت ذر سه حوزه اصلاح، حفظ و رشد مطرح است. چنانکه انسان از حیث جسمی در صورتی می‌تواند سلامت رو به رشد خود را تامین کند که نخست با تغذیه سالم و انجام ورزشبر قوای خود بیفزاید، دوم، با رعایت بهداشت خود را از بیماری و مرض‌های گوناگون حفظ کند. سوم، اگر مریض شد با اقدام به درمان و علاج، از بیماری برهد. وضعیت روحی و روانی انسان نیز از این جهت مشابه وضعیت جسمانی وی است. انسان باید با اقدام به فضایل در صدد رشد و تعالی خویش باشد و با حفظ خود و رعایت تقوا و پرهیزگاری از افتادن در دام ابلیس و نفس اماره دوری کند و در صورتی که مرتکب خطا و گناه شد، از طریق معالجه، خود را از مرض روحی برهاند. بنا بر این، اصلاح و علاج یکی از امور انفکاک‌ناپذیر از سیر تربیتی است. جایگاه آموزش خواهی در قالب توبه و انابه جایگاه اصلاحی و درمانی است.

در قرآن کریم آثار بیماری روحی ناشی از ارتکاب خطا یا گناه به صورت خسران، عذاب و سوء سابقه مطرح شده‌اند. حضرت نوح(ع) از درخواست جاهلانه به خداوند پناه می‌برد و رهایی از خسران و زیان را منوط به مغفرت و رحمت خداوند دانسته، می‌گوید: «قال رب انى اعوذ بک ان سالک ما لیس به علم...» (هود، ۴۷) عرض کرد پروردگارا من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم مگر مرا نبخشی و بر من رحم نکنی از زیان کاران بخواهم بود». همچنین خداوند یکی از آثار استغفار را رفع عذاب بر می

شمارد و می فرماید: «و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» همچنین پاک شدن سوء سابقه و رفع آثار منفی از صفحه قلب منوط به باز گشتن و دست برداشتن از گناه است؛ « قل للذين كفروا ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف؛ به آنها که کافر شدند بگو چنانچه از مخالفت باز ایستند و ایمان بیاورند گذشته آنها بخشیده می شود...» (انفال، ۳۸).

درباب کار کرد اصلاحی گفتنی است که کار کرد مزبور منحصر بر توبه نیست، بلکه حتی بر عفو تفضلی و ابتدایی نیز مترتب است. بنابر این، وقتی گفته می شود یکی از کارکردهای عفو و غفران کار کرد اصلاحی و درمانی است، به اقدامات درمانی فرد منحصر نمی شود، بلکه منظور دستیابی به اصلاح است، اعم از این که از طریق اقدام فرد به توبه حاصل شود یا از طریق اقدام مستقیم خداوند به عفو و بخشش گناهان .

کارکردهای مهم تربیتی عفو و غفران برای مربی

۱. کرامت

یکی از کارکردهای عفو برای فاعل آن، یعنی کسی که اقدام به گذشت می کند، رشد مجموعه فضیلت‌هایی در اوست که میتوان با واژه کرامت به آنها اشاره کرد. صبر و بردباری، رأفت، مهربانی و دلسوزی در برابر فرد خطاکار و گذشت از او متضمن نوعی کرامت و بزرگواری در فرد است. این فضیلت هم منشا عفو و گذشت است و هم در اثر عفو و گذشت در انسان ایجاد و تقویت میشود. این ویژگی همه فضائل اخلاقی است که هم در رفتار انسان اثر میگذارند و در واقع منشا رفتارها هستند. چنین رفتارهایی می‌توانند راهی برای کسب فضائل اخلاقی باشند. در قرآن کریم آیات متعددی بیانگر این امر هستند. خداوند از کسانی که غیظ و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای دیگران می‌گذرند به نیکی یاد کرده و آنها را در زمره محسنین و نیکوکاران برشمرده است «الذين ينفقون في السراء و الضراء و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس و الله يحب المحسنين؛ همان کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق میکنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران / ۱۳۴).

در آیه دیگری می‌فرماید: «کسانی که علی‌رغم داشتن قدرت مجازات، به عفو و گذشت دیگران اقدام می‌کنند به مقام صابران و شکیبایی نائل می‌شوند؛» «و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم و لئن صبرتم لهو خیر

للسابرين؛ هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید اینکار برای شکیبایان بهتر است» (نحل / ۱۲۶).

از منظر قرآن کریم کسانی که صبر پیشه می‌کنند و از خطای دیگران می‌گذرند به کاری اقدام کرده‌اند که تنها از صاحبان اراده قوی برمی‌آید: «و لمن صبر و غفر ان ذلک من عزم الامور؛ اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، به راستی این کارهای پر ارزش است» (شوری / ۴۳). اگر نیکی‌ها را آشکار یا مخفی سازید، و از بدی‌ها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست و با اینکه قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می‌کند.

به‌طور کلی هر گونه مدارا، تحمل و گذشت از دیگران می‌تواند به عنوان مظاهر فضیلت، کرامت و بزرگواری قلمداد شود. از این جهت در روایات مبادرت به عفو دیگران به عنوان خلق کریمانه تلقی شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «عفو کنید؛ زیرا عفو جز بر عزت بنده نیفزاید، پس همدیگر را ببخشید تا شما را عزت بخشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۰۸). علی (ع) نیز فرمود: «سرعت گرفتن در عفو و اغماض از خصلت افراد کریم و بلند مرتبه است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴).

۲. آمرزش

کسی که اقدام به گذشت می‌کند، خود شایستگی لازم برای مورد عفو قرار گرفتن پیدا می‌کند. این امر هم در ارتباط فرد با خدا مطرح است و هم در ارتباط با دیگر انسانها. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان تبدوا خیرا او تحفوه او تعفوا عن سوء فإن الله کان عفوا قديرا؛ اگر از بدی‌های دیگران درگذرید خداوند نیز از بدی‌های شما در خواهد گذشت» (نساء / ۱۴۹). همچنین به توانمندان امر میکند که آنها باید به عفو و گذشت از دیگران اقدام کنند؛ چراکه خود نیز به آمرزش خداوند نیازمندند؛ «و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم و الله غفور رحیم» (نور / ۲۲).

چنانچه انسان انتظار دارد خداوند از او درگذرد خود نیز باید از خطای دیگران چشم‌پوشی کند و اگر چنین اقدامی انجام ندهد نه تنها عفو الهی شامل حال او نمی‌شود؛ بلکه خداوند او را توبیخ و سرزنش می‌کند «یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟» (صف / ۲).

بنابراین خداوند انتظار کسانی را که اقدام به گذشت از دیگران می‌کند، بی‌پاسخ نمی‌گذارد و آنها را مشمول رحمت خود قرار می‌دهد. اقدام به عفو در میان مردم نیز سبب جلب توجه و عطوفت آنها خواهد شد به نحوی که خداوند تعالی پیامبر(ص) را به گذشت از مردم و طلب غفران برای آنها امر می‌کند؛ چراکه همین امور سبب جذب بیشتر آنها خواهد شد. به این معنی که آنها نیز در دیدگاه خود تجدید نظر کرده در بسیاری از موارد مشقت‌ها و سختی‌های حاصل از ارتباط با فرد را نادیده گرفته و پروانه‌وار به دور او خواهد چرخید «فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت...» (آل عمران / ۱۵۹).

شرایط و عوامل عفو و غفران

شکی نیست که عفو و غفران به عنوان یک روش تربیتی دارای ارزش والایی است؛ اما آیا این روش به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی می‌تواند به کار گرفته شود و نقش و کارکرد تربیتی داشته باشد؟ بدیهی است که روش عفو و غفران نیز مانند هر روش تربیتی دیگر اصول و شرایطی دارد که با رعایت آنها می‌توان به نقش و کارکردهای آن دست یافت. در غیر این صورت، نه تنها نقش و کارکرد مثبت خود را کاهش داده یا از دست خواهد داد، بلکه چه بسا دارای کارکرد منفی نیز باشد. بایک بررسی اجمالی می‌توان گفت درقرآن کریم اصول و شرایطی برای گذشت و عفو از گناهکاران بیان شده است که به شرح ذیل بیان می‌شوند:

۱- ایمان

انسان برای این که مشمول رحمت خاصه ای الهی و عفو و مغفرت وی قرار گیرد، باید حد نصاب اولیه را داشته باشد، نخستین شرط برای تحقق این امر، کسب حد نصاب لازم برای مغفرت و آمرزش هر نوع گناه و خطایی است. چنانکه قرآن می‌فرماید: « و من یومن بالله و یعمل صالحا یکفر عنه سیئاته؛ و هر کس به خداوند ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناه او را می‌بخشد» (تغابن/۹).

البته تنها ایمان به خدا کفایت نمی‌کند، بلکه ایمان به پیامبران الهی و کتابهای آسمانی نیز لازم است. چنانکه می‌فرماید: «والذین امنوا و عملوا الصالحات و امنوا بما نزل..» (محمد/۲). ایمان به کتاب الهی، شامل ایمان به آنچه در کتاب خدا آمده نیز میشود. از جمله مهمترین آنها ایمان به ولایت ائمه طاهرين است، چنانکه در

آیه ۶۷ سوره مائده آمده است و روایات متعدد منظور از آن را ولایت علی بن ابی طالب میدانند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۳۱).

اصل این شرط در مورد مرتبی چندان وجهی ندارد؛ زیرا معمولاً مرتبی و مرتبی هم کیش هستند، اما میزان و چگونگی این شرط میتواند در عفو و بخشش مرتبی موثر باشد. به این معنا که مرتبی‌ای که دارای درجات بالاتری از ایمان باشد، یا مرتبیانی که معمولاً تخلفی ندارند، بیشتر قابلیت عفو و بخشش دارند تا مرتبیانی که همواره دارای تخلف هستند.

۲- بقای فرصت

یکی دیگر از شرایط عمومی عفو و گذشت این است که زمان لازم برای جبران گذشته وجود داشته باشد. بدیهی است اگر این فرصت نباشد، گرچه فرد پشیمان و نادم هم باشد اثری در عفو و گذشت نخواهد داشت. چراکه صرف ندامت و پشیمانی برای دست یابی به آموزش کافی نیست، بلکه فراتر از آن، قدرت و اختیار برای بازگشت نیز لازم است. عفو و گذشت راهی برای بازگشت است، نه برای سوءاستفاده. قرآن کریم درباره اینگونه توبه، به توبه فرعون اشاره میکند که چون خود را در حال غرق شدن دید و راهی برای فرار نیافت، مدعی ایمان به خدای بنی اسرائیل شد و خداوند در پاسخ او فرمود که دیگر ایمان تو در این وضعیت فایده ندارد؛ «الان و قد عصیت قبل و كنت من المفسدین؛ الان؟! در حالی که پیشتر عصیان کردی و از مفسدان بودی (یونس/۹۱).

علامه طباطبایی مرگ را به عنوان پایان فرصت برای آموزش خواهی از طریق توبه قلمداد میکند. گویی زمانی که علائم و نشانه‌های مرگ آشکار شد و برای انسان یقین حاصل شد که دیگر راهی برای فرار وجود ندارد، فرصت بازسازی و اصلاح گذشته از میان می‌رود. وی ذیل آیه ۱۷ سوره نساء می‌فرماید: منظور از زمان قریب، تا قبل از مرگ است. چرا که فرد در این زمان اختیار دارد و چون توبه نوعی عبادت است و عبادت صرفاً در حالت اختیار پذیرفته می‌شود، از این رو کسی که مرگ را مشاهده میکند، اختیاری نداشته و ندامتش اجباری است و عبادت تلقی نمیشود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۴۱). چنانکه واضح است زمان لازم برای مرتبی و مرتبی در عفو و بخشش، مرگ و پیش از آن نیست، بلکه نسبی است و به حسب شرایط و برنامه‌ها

متفاوت است. از این رو، مریبان باید عذر متریبان را تا زمانی که فرصت بازگشت باقی است، بپذیرند و فرصت هر برنامه تربیتی متفاوت خواهد بود.

اسباب و عوامل عفو و غفران

افزون بر شرایط عفو و غفران الهی در قرآن، اسباب و عواملی نیز برای آن بیان شده که برای اینکه عفو و غفران الهی شامل حال انسان شود، باید این اسباب و عوامل را نیز فراهم آورد. برخی عوامل بدین شرح‌اند:

۱. پشیمانی و طلب مغفرت

نخستین اقدام اساسی در جذب عفو و غفران، پشیمانی از خطا و گناه و درخواست مغفرت است؛ چرا که توبه و بازگشت بدون پشیمانی از گناه و اشتباه معنا ندارد و در واقع خود و خدا را به سخره گرفتن است. به سخن دیگر، حقیقت توبه، چنان که علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۴: ۲۴۸) می‌فرماید، چیزی جز تغییر نفسانی نیست؛ یعنی فهم خطا و اشتباه و پشیمانی از آن، بنابراین، نخستین گام برای جلب مغفرت الهی پشیمانی از گناه است. ولی این پشیمانی باید در لفظ هم ابراز شده و از خدا طلب مغفرت شود.

مریبی نیز برای عفو و بخشش از متریبی باید احراز کند که متریبی از گذشته خود پشیمان شده است. اگر بدون این شرط عفو و بخشش صورت گیرد، بسا متریبی را جلی‌تر سازد. اما همیشه و در همه موارد، به ویژه در مواردی که متریبی تخلف زیادی ندارد و یا تخلف کوچک است، پشیمانی ضرورتی ندارد؛ چرا که در اینگونه موارد، چنان که در انواع عفو بیان شد، عفو پیشگیرانه یا تاخیری می‌تواند اثر تربیتی داشته باشد.

۲. توبه و بازگشت

گاهی گناه انسان گناهی بزرگی است، یا تکرار گناهان کوچک است که در این صورت تنها پشیمانی و استغفار زبانی کفایت نمی‌کند، بلکه انسان باید در عمل نیز از مسیر رفته باز گردد یا حتی گناهان گذشته را جبران کند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه؛ واینکه از پروردگار تان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید». (هود، ۳) و نیز: «و یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه؛ وای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید» (هود: ۵۲). در این آیه افزون استغفار، بازگشت از گذشته نیز شرط شده است (طباطبایی، ۱۳۴۷، ج ۱۰، ۱۴۰). زیرا توبه به معنای بازگشت است گرچه

گاهی استغفار اعم از توبه است گاهی بر عکس، ولی وقتی این دو لفظ در کنار هم قرار بگیرد هر کدام معنای خاص خود را دارند.

۳. جبران گذشته

در مواردی افزون بر استغفار و بازگشت از گناه، برای جلب مغفرت الهی جبران گذشته نیز لازم است و گناهکار باید حقوق تضییع شده، اعم از حق الله و حق الناس را، جبران کند. برای مثال، ممکن است کسی نماز یا روزه را ترک کرده باشد، یا مال دیگری را غصب کرده باشد. در این صورت تنها توبه و پشیمانی از گناه برای آمرزش فرد کفایت نمی کند و فرد باید نماز و روزه را قضا کند یا حق غصب کرده دیگری را بر گرداند تا خدا نیز او را مشمول عفو و رحمت خود قرار دهد. چنانکه قرآن کریم می فرماید: « فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید، خداوند توبه او را می پذیرد که خدا آمرزنده مهربان است» (مائده، ۳۹). منظور از اصلاح چنانکه برخی مفسران معتقدند اصلاح و جبران عمل است (از جمله سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۸۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۱۰).

۴. انجام عمل نیک

افزون بر موارد یاد شده؛ گاه شرط دیگری نیز برای عفو و غفران الهی لازم است و آن انجام عمل نیک است؛ « و من یومن بالله ویعمل صالحا یکفر عنہ سیئاته؛ هر کس به خدا ایمان آورد، و کار شایسته ای کرده باشد، بدی هایش را از او بسترده» (تغابن، ۹). البته به نظر می رسد در این صورت نیز افزون بر غفران گناه، خداوند پاداش های دیگری را هم می دهد، گنان که در ادامه همین آیه آمده است: «ویدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابداء ذالک الفوز العظیم؛ و او را در باغ هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می کند، جاویدانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگ است» (تغابن، ۹ و مائده، ۹). بنابراین، می توان گفت تنها دو شرط برای عفو و غفران الهی وجود دارد یکی توبه و پشیمانی از گناه و دیگری درخواست مغفرت و رحمت، مگر در مواردی که آثار گناه متوجه دیگری نیز شده باشد، در این صورت جبران حقوق دیگران نیز لازم است.

در پایان این بحث گفتنی است که شرط اول و دوم (پشیمانی و طلب مغفرت، توبه و باز گشت) شرط غالبی است و ممکن است در مواردی حتی اگر فرد پشیمان هم نباشد بتوان او را بخشید، به ویژه در صورتی که فرد برای نخستین بارها گناه یا تخلفی انجام می دهد، یا فردی است که کمتر دچار گناه و خلاف می شود، یا طوری است که اگر او را عفو کنیم او عفو و علت عفو کردن را درک می کند و عفو در او تاثیر بیشتری دارد تا مجازات. اما این به آن معنا نیست که به صورت غیر مستقیم یا به صورت کلی متربی را به عذر خواهی از تخلف ها و اشتباهات خود فرا نخوانیم، بلکه چنان که خداوند نیز امر به توبه می کند، مربی نیز باید متربی را به عذر خواهی از قصور و تقصیر خود دعوت کند، اما در مواردی ممکن است فرد دچار غفلت شود و عذر خواهی نکند که البته این مربوط به کسانی است که کمتر دچار تخلف و اشتباه می شوند. همچنین دوش شرط اخیر نیز در موارد خاص هستند و از شرط های غالبی نیز نیستند؛ چرا که جبران گذشته در صورتی است که انسان با گناه و تخلف به دیگری ضرری برساند، یا حقی را تضییع کند اما در مواردی که تنها به خود فرد ضرر می رسد و تضییع حقی از کسی نمی شود، جبران هم ضرورت ندارد.

نتیجه گیری

چنانکه اشاره شد «روش عفو و غفران» یکی از مفاهیم بنیادی اخلاقی در قرآن کریم است و در قرآن کریم به آن اهمیت بسیاری داده شده است. استفاده از این روش اخلاقی قرآنی در محیط اجتماع، خانواده، آموزشگاه و... آثار و نتایج بسیار مهمی را به دنبال دارد که موجب سلامت روانی، جسمی، امنیت و آرامش و سلامت روابط مربی و متربی می گردد.

در مقاله حاضر، با استفاده از آیات مشتمل بر مفهوم عفو و غفران در قرآن مجید بررسی شد و با مراجعه به تفاسیر مهم قرآن، مهمترین آثار و کار کرد های این روش قرآنی شناسایی و جایگاه آن از منظر قرآن کریم این کتاب هدایت و تربیت که معلم آن خود خداوند متعال و پیامبر اکرم (ص) است، مورد اشاره قرار گرفت. و به مباحث مهمی چون: مفهوم عفو و غفران، انواع عفو در قرآن مجید که عبارتند از: عفو ابتدایی، عفو تکلیفی، عفو پیشگیرانه، عفو تاخیری و عفو پاداشی بررسی گردید. همچنین به شرایط این مفهوم قرآنی که: ایمان به عنوان حد نصاب و بقای فرصت از مهمترین شرایط عفو است اشاره شد. مهمترین ویژگی آن که عبارت از: فعال بودن متربی در این روش، تعلق به حیطه عاطفی و ذوقی بودن این روش اصلاحی-ایجاد کننده اشاره

گردید؛ مهمترین کار کردهای این روش زیبای قرآنی برای مربی عبارت است از: فراهم آوردن زمینه اصلاح
مربی، دادن امید و انگیزه و اصلاح و علاج او. و برای مربی مهمترین کار کرد عفو و غفران، کرامت و آمرزش
اوست. این مباحث مهم قرآنی از جایگاهی بسیار والایی از نگاه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام
برخوردار است که باید مورد توجه مربیان قرار بگیرند.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، قم؛ دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران؛ علمی فرهنگی.
- ۳- ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، قم؛ پژوهشگاه، ۱۳۸۷.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت؛ دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ۵- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیرالکریم الرحمن، بیروت؛ مکتبه النهضه العربیه، ۱۴۰۸.
- ۶- حسینی زاده، سید علی، مشایخی، شهاب الدین، روشهای تربیتی درقرآن، قم؛ پژوهشگاه، ۱۳۹۳.
- ۷- حوزی، شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
- ۸- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، نورالثقلین، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المردات الفاظ قرآن، تهران؛ مرتضوی، ۱۳۸۵.
- ۱۰- صفی پور، عبدالرحمن بن عبدالکریم، فرهنگ عربی به فارسی - منتهی الارب فی لغه العرب، بی تا.
- ۱۱- طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین...، ۱۴۱۷.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن الحسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۱۳- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت؛ دار الاحیا التراث العربی، بی تا.
- ۱۴- طیب سید عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران؛ اسلام، ۱۳۷۸.
- ۱۵- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران؛ چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰.
- ۱۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم؛ اسوه، ۱۴۱۴ق.

- ١٧- فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريبالشرح الكبير للرافعي، قم؛ دارالهجره، ١٤١٤
ق.
- ١٨- كليني، محمد بن يعقوب، كافي، تهران؛ دار الكتب الاسلاميه ١٣٦٥ .
- ١٩- متقى هندی، على بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، بيروت؛ موسسه
الرساله ١٤٠٩.